

صعود به عروس قله‌های ایران

ساوالان سومین قله مرتفع ایران با دریاچه‌ای زیبا بر فرازش، جایی است که صعود به آن خستگی را به شوق تبدیل می‌کند، محمد پناهی فرد روزنامه نگاری است که روایتی اختصاصی از این تجربه دارد

محمد پناهی فرد بعضی کوه‌ها را برای فتح کردن می‌رویم و بعضی را برای آن که چیزی از خودمان را در آن‌ها پیدا کنیم. سیلان، یا همان ساوالان، از آن کوه‌هایی است که پیش از رسیدن به قله، آرام‌آرام آدم را با خودش همراه می‌کند؛ با جاده‌های سنگلاخی، هوای رقیق، سکوت ارتفاع و چشم‌اندازی که در پایان، خستگی را به شوق تبدیل می‌کند. سیلان با ارتفاع ۴۸۱۱ متر، پس از دماوند و علم‌کوه، سومین قله مرتفع ایران است؛ اما ارتفاع، تنها دلیل شهرت آن نیست. دریاچه‌ای که بر فراز قله قرار گرفته، چنان منظره‌ای پدید آورده که سیلان را در میان کوهنوردان به «عروس قله‌های ایران» معروف کرده است. برای بسیاری، نخستین صعود به سیلان تجربه‌ای فراموش‌نشدنی است؛ تجربه‌ای که شاید از همان روزهای پیش از سفر آغاز شود، زمانی که نام قله را بر زبان می‌آوری و در ذهن، تصویری دور از سنگ و برف و آسمان شکل می‌گیرد.



قله؛ محل دیدار آدم‌هایی از دورترین راه‌ها

یکی از زیبایی‌های کوهنوردی، آدم‌هایی هستند که در ارتفاع با آن‌ها آشنا می‌شوی؛ آدم‌هایی که هر کدام داستانی برای رسیدن دارند. در قله با دو کوهنورد آشنا شدم که از مشهد با هواپیما به اردبیل آمده بودند و سپس خود را به شابیل رسانده بودند. کوهنورد دیگری از شهر آشتیان در استان مرکزی، با خودروی شخصی به تنهایی راهی این صعود شده بود. در کوهستان، فاصله شهرها کوتاه می‌شود. آدم‌ها با لهجه‌های مختلف، از مسیرهای متفاوت، برای چند دقیقه کنار هم می‌ایستند و درباره هوا، خستگی و قله حرف می‌زنند. گاهی همین گفت‌وگوهای کوتاه، بخشی از خاطره صعود می‌شوند.



سنگ محراب؛ نشانه‌ای پیش از قله

پس از ساعت‌ها پیمایش، سرانجام به سنگ محراب رسیدیم؛ یکی از نشانه‌های شناخته‌شده مسیر قله سیلان. سنگ محراب برای کوهنوردان فقط یک نشانه در مسیر نیست؛ مکانی است برای مکث، نفس تازه کردن و ثبت تصویری که بعدها بارها به آن نگاه خواهند کرد. اما این سنگ، در فرهنگ و باورهای مردم منطقه نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. سیلان در میان مردم دامنه‌هایش، کوهی مقدس شناخته می‌شود. روایت‌های محلی و منابع مختلف، این کوه را با داستان‌هایی درباره زرتشت و دیگر شخصیت‌های مذهبی پیوند داده‌اند. درباره ریشه نام ساوالان و برخی روایت‌های تاریخی پیرامون آن نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. شاید اهمیت این روایت‌ها، بیش از آن‌که در اثبات یک داستان خلاصه شود، در این باشد که نشان می‌دهد سیلان قرن‌هاست بخشی از حافظه فرهنگی مردم این سرزمین است؛ کوهی که تنها بر جغرافیا تکیه ندارد، بلکه در باورها، افسانه‌ها و زندگی مردم نیز ریشه دوانده است.



رفت و آمد می‌کنند. مسیر کوتاه است، اما جاده چنان ناهموار و سنگلاخی است که هر پیچ و دست‌انداز، مسافران را به یکدیگر نزدیک‌تر می‌کند؛ گویی همه در این تکان‌های بی‌پایان، پیشاپیش سهمی از دشواری صعود را تجربه می‌کنند. در زمان این سفر، هزینه جابه‌جایی با خودرو برای هر نفر حدود یک میلیون تومان بود. مبلغی که شاید در نگاه نخست زیاد به نظر برسد، اما پس از عبور از آن جاده، کمتر کسی درباره سختی کار رانندگان این مسیر تردید خواهد داشت.

شابیل؛ جایی که راه آغاز می‌شود

تابستان، به‌ویژه مردادماه، از فصل‌های محبوب صعود به سیلان است؛ زمانی که در صورت مساعد بودن شرایط جوی، کوهنوردان بیشتری راهی این منطقه می‌شوند. مسافران و کوهنوردانی که از شهرهای دور می‌آیند، معمولاً یک یا دو روز زودتر حرکت می‌کنند تا خود را به مشکین‌شهر و سپس منطقه شابیل برسانند. شابیل، برای بسیاری از صعودکنندگان، نقطه آغاز یک ماجراجویی است؛ جایی که جاده تمام نمی‌شود، بلکه شکل دیگری از سفر آغاز می‌شود. از شابیل تا پناهگاه مسجد، خودروهای پاترول و لندروور

۴ صبح؛ آغاز راهی که آسان نیست

ساعت چهار صبح از شابیل سوار پاترول شدیم. هوا هنوز در تاریکی پیش از طلوع فرو رفته بود و مقصد، پناهگاه مسجد، جایی در دل کوهستان انتظارمان را می‌کشید. حدود ساعت پنج به پناهگاه رسیدیم. اما آن‌جا برخلاف تصورمان خلوت نبود. جمعیت زیادی از کوهنوردان آماده حرکت بودند؛ چراغ‌های پیشانی، کوله‌ها، لباس‌های کوهنوردی و صداهایی که در هوای صبحگاهی می‌پیچیدند، تصویری شبیه آغاز یک کاروان بزرگ ساخته بود. سیلان در سال‌های اخیر، بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. شبکه‌های اجتماعی، تصاویر قله و روایت‌های صعود، افراد بسیاری را به سوی این کوه کشانده است. این استقبال، از یک سو نشانه علاقه بیشتر مردم به طبیعت است، اما از سوی دیگر یادآور این نکته است که کوهستان، حتی وقتی شلوغ است، همچنان جدی و بی‌اغماض باقی می‌ماند. ارتفاع، با عکس‌های قله شوخی ندارد.



فرود؛ راهی که خستگی را با خود می‌برد

رسیدن به قله پایان کار نیست. فرود، چالش دیگری است؛ چالشی که گاهی به دلیل خستگی بدن، فشار بیشتری بر زانوها و کمر وارد می‌کند. در مسیر بازگشت، دیگر خبری از هیجان نخستین گام‌ها نیست. بدن خسته است و باید با دقت بیشتری حرکت کرد. گام‌ها باید کنترل شده باشند و سرعت، جای خود را به احتیاط بدهد. بسیاری از آسیب‌های کوهنوردی در مسیر فرود رخ می‌دهند؛ زمانی که فرد تصور می‌کند بخش دشوار کار تمام شده است. اما کوه تا رسیدن به پایین، همچنان نیازمند احترام و توجه است. پس از بازگشت به پناهگاه مسجد، دوباره سوار پاترول شدیم. مسیر بازگشت به شابیل، با همان تکان‌ها و سنگلاخ‌ها، این بار از نگاه آدم‌هایی بود که یک صعود را پشت سر گذاشته بودند. هزینه یک میلیون تومانی برای هر نفر پرداخت شد و سخت‌ترین بخش خودرو سواری سفر نیز به پایان رسید.

آبگرم شابیل؛ پایان خوش یک روز بلند

برای بسیاری از کوهنوردان، آبگرم شابیل بخشی از آیین پایان صعود است. پس از ساعت‌ها پیمایش، خستگی، افت خیزهای مسیر و ایستادن در ارتفاع، آبگرم فرصتی برای آرام گرفتن و بازپایی توان است. صعود به ساوالان برای ما فقط رسیدن به یک عدد، یعنی ۴۸۱۱ متر، نبود. این صعود، روایت تصمیم‌هایی بود که در مسیر گرفتیم، لحظه‌هایی که مجبور شدیم آهسته‌تر حرکت کنیم، همراهی دوستان و لیدرها، و منظره‌ای که در پایان، تمام دشواری‌ها را برای لحظاتی از یادمان برد. کوهستان همیشه چیزی برای آموختن دارد؛ گاهی درباره توانایی، گاهی درباره صبر و گاهی درباره این حقیقت ساده که رسیدن، فقط با سریع رفتن ممکن نیست. و سیلان، عروس قله‌های ایران، این بار نیز به ما یادآوری کرد که زیباترین منظره‌ها، گاهی در پایان سخت‌ترین راه‌ها انتظار آدم را می‌کشند.

